

نقش عنصر زمان در کارآیی بازار مسلمین

اسداله فرزین وش *

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۴/۲۵

محمدتقی محبی **

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۹/۱۴

چکیده

بر اساس نظریه‌های اقتصادی، یکی از مهمترین دلایل شکست بازار «عدم تقارن اطلاعات» است. معمولاً اطلاعات تولیدکننده نسبت به کیفیت یک کالا، بیشتر از مصرف‌کننده است. همانطوری که اطلاعات کارگر نسبت به میزان مهارت و کارآمدی خویش به مراتب بیشتر از کارفرما است، که این موارد موجب ناکارآمدی بازار می‌شود. به همین جهت در ادبیات اقتصادی متعارف به ویژه در اندیشه‌های اقتصادی مکتب نئوکلاسیک، تدابیری اتخاذ شده است تا از بروز شکست بازار پیش‌گیری شود که در مباحث مربوط به «اقتصاد اطلاعات» و «نظریه قرارداد» مورد بحث قرار می‌گیرد.

در مکتب اقتصادی اسلام نیز ابعاد فقهی - حقوقی عقود معاملات، بیانگر تاکید ویژه این مکتب به اصل تقارن اطلاعات در مبادلات است و برای پیش‌گیری از بروز اطلاعات نامتقارن در بازار، راهکارهای دقیقی طراحی شده است تا حتی الامکان اطلاعات در بازار از شفافیت و تقارن لازم برخوردار باشد. به همین جهت طرفین قرارداد قبل از انعقاد عقد باید از «مجموعه اطلاعات» لازم نسبت به آن معامله برخوردار باشند تا معامله به شکل صحیح انجام شود. از جمله مواردی که در عقود معاملات به عنوان یکی از عناصر ضروری مجموعه اطلاعات به حساب می‌آید «عنصر زمان» است. در این مقاله نشان داده شده است که عنصر زمان در بسیاری از معاملات، به عنوان یکی از ارکان عقد معامله و یکی از عوامل کارآیی بازار مسلمین به حساب آمده است تا جایی که عدم شفافیت عنصر زمان، موجب بطلان عقد و شکست بازار خواهد شد. در واقع می‌توان ادعا کرد که عنصر زمان به عنوان یکی از عوامل موثر در تقارن اطلاعات، بیانگر دیدگاه مترقی مکتب اقتصادی اسلام است که در هیچ‌یک از دیگر مکاتب اقتصادی متعارف، چنین برخورد فعالانه‌ای با عنصر زمان به عنوان یکی از عناصر موثر در اقتصاد اطلاعات دیده نشده است. لذا کارآیی بازار مسلمین در چارچوب موازین اخلاقی محقق می‌شود و از هرگونه ضرری جلوگیری شده است.

واژگان کلیدی

عنصر زمان، کارآیی، تقارن اطلاعات، شکست بازار، نظریه قرارداد

farzin@ut.ac.ir

* دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول)

mohebi@isu.ac.ir

مقدمه

به طور کلی هر بازاری از دو رکن اساسی «عرضه» و «تقاضا» تشکیل می‌شود که هر یک از شرکت‌کنندگان در بازار بر اساس اطلاعات موجود تصمیم‌گیری می‌کند. اگر مصرف‌کنندگان اطلاعات دقیقی در مورد قیمت واقعی بازار و کیفیت کالاها نداشته باشند، ممکن است کالایی را انتخاب کنند که یا از نظر قیمت متضرر شوند و یا کیفیت کالای خریداری شده، مطلوبیت مورد انتظار آنان را برآورده نسازد. همچنین تولیدکنندگان نیز معمولاً در هنگام استخدام نیروی کار، اطلاعات کاملی نسبت به میزان کارآمدی نیروی متقاضی کار ندارند و در مواردی ممکن است، انتظارات کارفرما تامین نشده و مجبور به انفصال خدمت وی شوند و نیروی کار دیگری را جایگزین کنند، در حالی که بنگاه در این مدت دچار «هزینه فرصت»^۱ و «هزینه‌های غیر قابل بازگشتی»^۲ مانند آموزش اولیه نیروی کار شده و برای مدت زمانی تا استخدام نیروی کار جدید و آموزش وی، از سرعت و پیشرفت تولید کاسته می‌شود. این موارد نمونه‌ای از شکست بازار به جهت عدم تقارن اطلاعات است.

البته موضوع این مقاله تبیین تمامی عوامل شکست بازار نیست، بلکه به اقتضای نقش ویژه عنصر زمان در عقود معاملات، تنها به مواردی می‌پردازد که ابهام و نامشخص بودن عنصر زمان، موجب عدم تقارن اطلاعات و نقض کارآیی بازار مسلمین و شکست آن می‌شود. به این جهت در ابتدا به برخی از مباحث مرتبط با «نظریه قرارداد»^۳ و «اقتصاد اطلاعات»^۴ اشاره خواهد شد. سپس با بررسی چند مورد اساسی از عقود معاملات بر مبنای فقه امامیه نشان داده می‌شود که دین مبین اسلام با چه راهکارهای دقیقی زمینه شفافیت اطلاعات مربوط به معاملات در بازار مسلمین را پیش‌بینی کرده است تا معاملات در بستری از اطلاعات متقارن طرفین عقد و در چارچوب اصول اساسی صحت معاملات صورت پذیرد. سه مورد از این اصول عبارتند از:

۱- معامله نباید به هیچ شکلی ربوی باشد. بر اساس آیه شریفه قرآن کریم «قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا»؛ یعنی آنان گفتند داد و ستد صرفاً مانند ریاست و حال آن که خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام گردانیده است (بقره: ۲۷۵).

۲- معامله نباید به هیچ وجهی، غرری باشد. پیامبر اکرم (ص) مؤمنین را از انجام هرگونه معامله غرری نهی فرموده‌اند: «نهی النبی عن بیع الغرر» (الحر العاملی، ۱۴۰۳ ق.، ج ۱۷، ص ۴۴۸). بیع غرری، بیعی است که وضعیت و شرایط انعقاد آن، که ناشی از جهل در اصل وجود مورد معامله (مبیع و ثمن) و یا جهل به صفات آن است، موجب خطر مالی در معامله شود. به عبارت دیگر غرر آن است که انسان در هر معامله‌ای از عوض یا معوض بی‌خبر باشد و معامله در هاله‌ای از جهل و عدم تقارن اطلاعات واقع شود که به شدت نهی شده است.

۳- قرآن کریم مردم را از «أکل مال به باطل» نهی نموده است: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا نخورید، مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما (انجام گرفته) باشد (نساء: ۲۹).

مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه می‌فرماید: کلمه «باطل» هم در عقاید استعمال دارد، هم اخلاق و هم اعمال و در اعمال عبارت است از آن عملی که غرض صحیح و عقلایی در آن نباشد. جمله «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم» وقتی مقید شود به قید «بالباطل» یعنی معاملاتی که نه تنها اجتماع را به سعادت و رستگاریش نمی‌رساند، بلکه ضرر هم دارد و جامعه را به فساد و هلاکت می‌کشاند و این معاملات باطل از نظر دین عبارتند از: امثال ربا و قمار و معاملات گتراهی که طرفین و یا یک طرف نمی‌داند چه می‌دهد و چه می‌گیرد، حدود و مشخصات کالا و یا بها مشخص نیست مانند معامله با سنگریزه و هسته خرما، به اینگونه که سنگریزه یا هسته خرما را به طرف اجناس فروشنده پرتاب کنم، روی هر جنسی که افتاد، با پرداخت مثلاً پنجاه تومان، آن جنس مال من باشد و امثال این معاملات که اصطلاحاً آن را غرری می‌گویند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۵۰۱).

صاحب مجمع البیان نیز در معنی باطل می‌فرماید منظور این است که مال یکدیگر را بدون استحقاق و معاوضه مصرف کنند، بنابراین، هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً مشخص نباشد، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلایی در آن نباشد، خرید و فروش وسایل فساد و گناه، همه در تحت این قانون کلی قرار دارد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۱).

با نگاهی کوتاه به هر یک از سه اصل اساسی صحت معاملات که به آن اشاره شد، به روشنی مشخص است که هر یک از این اصول در راستای شفاف‌سازی اطلاعات و ایجاد فضای متقارن اطلاعاتی است و یکی از حکمت‌های نهی از انجام معاملات «ربوی، غرری و اکل مال به باطل» عدم تقارن اطلاعات و جهل به یکی از ابعاد معامله است که موجب بروز زیان به افراد و عدم کارآیی بازار و شکست آن می‌گردد.

در این مقاله نیز سعی شده است تا با ارائه نمونه‌های مشخص و مستدلی از عقود معاملات، نشان داده شود که در اقتصاد اسلامی هر جا که عقد معامله‌ای در جهل منجر به خطر و غرر واقع شود و به طور خاص در معاملات مدت‌داری که عنصر زمان به عنوان یکی از ارکان قرارداد محسوب می‌شود، چنانچه مقطع زمانی عقد نامشخص یا مبهم باشد، به طوری که سبب بروز عدم تقارن اطلاعات گردد، صحت چنین معاملاتی لغو گردیده تا از بروز شکست بازار مسلمین جلوگیری شود و حتی در صورت وقوع چنین معاملاتی، نهاد حقوقی و قضایی اسلام نیز از حق افرادی که متضرر شده باشند، حمایت جدی به عمل خواهد آورد.

۱. اقتصاد اطلاعات

در دهه‌های اخیر مسائل و مشکلات دسترسی به اطلاعات کامل در بازار، رشته جدیدی را در اقتصاد به وجود آورد، که از آن به «اقتصاد اطلاعات» یاد می‌شود. اولین مباحث مربوط به اقتصاد اطلاعات در دهه ۷۰ مستقلاً توسط افرادی چون اسپنس^۵ (۱۹۷۳م.)، آکرلف^۶ (۱۹۷۰م.) و استیگلیتز^۷ (۱۹۸۱م.) مطرح گردید. این سه نفر از پیشگامان شکل‌گیری اقتصاد اطلاعات بودند که به همین جهت در سال ۲۰۰۱ میلادی موفق به دریافت جایزه نوبل شدند. مقصود از اقتصاد اطلاعات بررسی چگونگی توزیع

اطلاعات بین شرکت‌کنندگان در بازار است، به گونه‌ای که هم مصرف‌کننده از انتخاب کالای مورد نظر احساس رضایت و مطلوبیت کافی داشته باشد و هم تولیدکننده به سود مورد نظر خود دست یابد.

بر اساس نظریه‌های موجود اقتصادی، بازارهای رقابتی به چهار دلیل عمده و اساسی دچار شکست می‌شوند: قدرت بازار، اطلاعات نامتقارن، تاثیرات بیرونی و کالاهای همگانی (پن‌دیک، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۴۳) که به جهت گستردگی مطلب، در این مقاله تنها بحث اطلاعات نامتقارن مورد بررسی قرار می‌گیرد و به عنوان یک بحث میان رشته‌ای نشان داده می‌شود که عنصر زمان چه نقشی در عقود اسلامی و تقارن اطلاعات در بازار مسلمین دارد که با معین نمودن آن می‌تواند موجب کارآیی بازار شود.

۱-۱. ارزش اطلاعات

اصولا هر تصمیم صحیحی در گرو دسترسی به اطلاعات مناسب و مرتبط امکان‌پذیر است. تصمیماتی که درست و حساب‌شده اتخاذ گردد، اقدامات مفیدی را نیز به دنبال خواهد داشت که موجب موفقیت فرد یا سازمان خواهد شد. ضمن آنکه مقایسه میزان موفقیت هر مرحله از اقدامات با موفقیت‌های مراحل قبلی، به میزان ارزش اطلاعاتی که این نتایج و دستاوردها را به دنبال داشته است، بستگی دارد. این ارزیابی مستمر عملکرد می‌تواند با بازخورد به سیستم، روابط بین متغیرها را اصلاح و در صورت نیاز، عوامل غیرمرتبط و زائد را از سیستم حذف نماید.

آنچه در بحث اطلاعات از اهمیت خاصی برخوردار است، تشخیص نوع اطلاعات مورد نیاز و قابل اعتماد برای هر تصمیم اقتصادی است که از آن به «محیط اطلاعاتی»^۸ یا «مجموعه اطلاعات»^۹ تعبیر می‌شود. ضمن آنکه بایستی در نظر نظر داشت که این امکان وجود دارد که فعالیت‌ها و اقدامات افراد، سبب تغییر محیط اطلاعاتی شود. همانگونه که می‌توان انتظار داشت که این روش سبب شود تا شماری از الگوها برای وضعیت خاص طراحی شود که تشابه میان آنها اندک است و نمی‌تواند برای همه موارد مورد استفاده قرار گیرد (نیکلسون، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۰۲).

۲-۱. تأثیر زمان بر ارزش اطلاعات

ارزش اطلاعات اغلب بر مبنای زمانی که در دسترس قرار می‌گیرد، تعیین می‌شود نه بر اساس هزینه‌هایی که برای دسترسی آن صرف شده و نه حتی بر اساس محتوای واقعی آن. در حقیقت، میان زمان وصول اطلاعات و ارزش آن رابطه پیچیده‌ای برقرار است. برای برخی، ارزش اطلاعات در فوریت آن نهفته است. به طور مثال، اطلاعات بازار بورس دیروز ممکن است فردا بی ارزش باشد. برای فرد دیگری، ارزش اطلاعات احتمالاً در آینده درک می‌شود تا در زمان حال، و بیشتر حالت بالقوه دارد تا بالفعل. علاوه بر این، اطلاعات یکسان ممکن است برای کاربران مختلف در زمان‌های متفاوت حامل ارزش‌های گوناگون باشد. اطلاعات مربوط به آب و هوای مازندران احتمالاً زمانی مورد توجه یک شهروند تهرانی قرار می‌گیرد که وی قصد سفر به آن استان را داشته باشد.

بنابراین هم ظرف زمان در ارزش اطلاعات نقش موثری دارد و هم این‌که عنصر زمان گاه خود نقش یک عضو از مجموعه اطلاعاتی شرکت‌کنندگان در بازار را بازی می‌کند. در کلیه عقود معاملات نیز تمام عناصری که مجموعه اطلاعات افراد را در هر یک از معاملات تشکیل می‌دهند، از ارزش بسیار بالایی در تصمیم‌گیری آنان برخوردارند که یکی از این عناصر اطلاعاتی، «عنصر زمان» است که چارچوب زمانی معاملات مدت دار را تشکیل می‌دهد. به طوری که عدم تعیین یا شفافیت ظرف زمانی مورد نظر در برخی از عقود، صحت آن‌ها را متزلزل می‌کند که در ادامه این قسمت به چند مورد اساسی اشاره خواهد شد.

۳-۱. نظریه قرارداد

نظریه قرارداد چگونگی شکل‌گیری مبادلات و قراردادهای اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد که از جمله آن‌ها قراردادهای کار و اشتغال است. «نظریه قرارداد»، «اقتصاد اطلاعات» و «نظریه انگیزه‌ها» از جمله مهمترین حوزه‌های تحقیقاتی در سه دهه گذشته هستند که هر یک به نوعی در میزان تقارن یا عدم تقارن اطلاعات موثرند.

نظریه قرارداد یکی از مباحث مربوط در قلمرو اقتصاد است تا در قالب آن تعادل بین شایستگی نیروی کار و پاداش پرداختی به وی برقرار شود. در اصل، نظریه قرارداد شامل نیاز به ارتباط بین نیروی کار یا عامل و مدیر هر بنگاه است، به طوری که درک روشنی از نیازهای اصلی تولید و توانایی عامل برای رفع این نیازها به شیوه‌ای صحیح به وجود آید. در جانب دیگر عامل نیز از جهت دریافت پاداش خود بر اساس قرارداد فی مابین با کارفرما، به اطمینان و رضایت لازم دست می‌یابد.

یکی از ساده‌ترین راه‌ها برای درک نظریه قرارداد این است که فرد آینده‌نگری که جویای کار است، اطلاعات مربوط به توانایی‌های خود را ارائه دهد تا استخدام گردد. به نوبه خود، کارفرما باید در موقعیتی باشد که با دقت لازم اطلاعات ارائه شده را ارزیابی کند تا به اطمینان نسبی اولیه دست یابد. چنانچه اطلاعات لازم در اختیار کارفرما قرار نگرفته باشد، وضعیت نامتقارنی به وجود می‌آید. این اطلاعات نامتقارن، کارفرما را از ارزیابی دقیق و صحیح نیروی کار باز می‌دارد. از اینرو نظریه قرارداد با مفهوم «مخاطره اخلاقی» یا «کژ منشی» در هم آمیخته است.

اساساً هر دو طرف قرارداد تا درجه معینی نسبت به یکدیگر اعتماد دارند. اطلاعات کارگر متکی به شرایط کار، نرخ دستمزد، مسئولیت‌های شغلی و مزایای اضافی است که توسط کارفرما ارائه شده است. به طور مشابه، اطلاعات کارفرما متکی به مدارک ارائه شده توسط نیروی کار شامل سوابق تحصیلی، سوابق شغلی، مهارت و شایستگی‌هایی است که به طور مستند از سوی نیروی کار عرضه می‌شود. نکته مهم در اینجا میزان اطمینانی است که برای طرفین، به خصوص برای کارفرما باید حاصل شود تا زمینه انعقاد قرارداد فراهم گردد.

سوال اصلی در نظریه قرارداد این است که اساساً چرا قرارداد تنظیم می‌شود؟ و چگونه فعالان اقتصادی با استفاده از ترتیبات قراردادی خاص و در چارچوب اطلاعات نامتقارن اقدام به معامله می‌کنند؟ یک پاسخ به این سوال آن است که طرفین در راستای فواید مورد انتظار از قرارداد، تلاش می‌کنند تا از طریق چانه زنی بر منافع اقتصادی خویش تمرکز نمایند. پاسخ دوم به این سوال بر نقش وعده و تعهد در نظریه اخلاقی باز می‌گردد که طرفین بر اساس قرارداد فی مابین، ملزم به ادای تعهد و وعده خود

شوند. از سوی دیگر بر اساس نظریه قرارداد و نیز با بهره‌گیری از مفهوم «قرارداد کامل»^{۱۰} به عنوان یک سند معتبر و رسمی لازم است تا از پشتیبانی حقوقی قابل قبولی در هر حکومتی برخوردار باشد. بر این اساس قرارداد کامل باید به نحوی تهیه و تنظیم شده باشد که حتی الامکان زمینه بروز تخلفی و تخلف از مفاد قرارداد را از بین برده باشد، زیرا هر یک از دو طرف قرار داد به دنبال آن هستند تا قرارداد را به گونه‌ای تنظیم نمایند که به سود خود باشد و در عین حال مفاد آن قابلیت پیگیری حقوقی را به همراه داشته باشد» (Salanié, 1997, p.154).

در ادامه نشان داده خواهد شد که از دیدگاه احکام اسلامی، شرایط مربوط به متعاقدين و ضوابط مربوط به متن قرارداد به حدی دقیق و متقن طراحی شده است تا از بروز هرگونه تخلفی پیش‌گیری شود، ضمن آنکه با ارائه ادله از حقوق فرد متضرر حمایت قضایی به عمل خواهد آمد.

۴-۱. انگیزه‌ها و اطلاعات

یکی از دلایل اصلی انعقاد قراردادها وجود شرایط عدم تقارن اطلاعات است، به طوری که معمولا یک طرف قرارداد از اطلاعات خصوصی بیشتری نسبت به طرف مقابل برخوردار است که مشکلاتی را به شرح ذیل به دنبال دارد:

الف- گاهی اطلاعات خصوصی یک طرف قرارداد مربوط به ناتوانی وی یا عدم تمایل او بر انجام وظایف خاصی است که به خود فرد مربوط می‌شود و آنرا بروز نمی‌دهد. در این حالت به آن «اطلاعات پنهان»^{۱۱} گویند. یعنی نیروی متقاضی کار فاقد شرایط و صلاحیت لازم برای استخدام است ولی آنرا از کارفرما مخفی می‌کند تا به هر قیمت که شده است، استخدام شود یا معامله و قرارداد مورد نظر محقق گردد.

ب- مشکل دوم اشاره به شرایطی دارد که کارفرما پس از استخدام نمی‌تواند ناکارآمدی نیروی کار و نحوه عملکرد او و همچنین چگونگی کم‌کاری یا فرار از کار او را ارزیابی و نظارت کند، یعنی اقدامات کارمند از دید کارفرما مخفی می‌ماند که به آن «عمل پنهان»^{۱۲} یا اقدام پنهان گویند. مشکل اطلاعات پنهان اغلب موجب بروز «کژ

گزینی^{۱۳} می‌گردد و مشکل اقدامات پنهان مخاطره اخلاقی یا «کژ منشی»^{۱۴} را به دنبال دارد.

البته در عمل بسیاری از مشکلات انگیزشی، ترکیبی از هر دو عنصر خطر اخلاقی و انتخاب نامطلوب را با هم و در کنار یکدیگر به همراه دارد. همچنین در بعضی از موارد تمایز نظری بین عمل پنهان یا مشکل اطلاعات پنهان در برخی از اوقات می‌تواند پیچیده باشد. با این وجود مفید خواهد بود که میان این دو نوع از مشکلات انگیزشی تمایز قائل شویم. حال سوال اساسی این است که انعقاد قرارداد تحت شرایط اطلاعات نامتقارن چقدر موثر خواهد بود؟ پاسخ به این سوال یکی از اصلی‌ترین مفاهیم اقتصادی در آشکارسازی قراردادها است. بینش اساسی پشت سر این اصل آن است که برای هر نوع از این اطلاعات، لازم است قرارداد بهینه‌ای تنظیم شود تا برای ما اطمینان آور باشد (Bolton, 2005, pp.13-19).

۱-۵. علامت دادن بازار^{۱۵}

یکی از راه‌های کاهش عدم تقارن اطلاعات، علامت‌دهی بازار است. ادبیات مفهوم علامت‌دهی در زمینه اقتصاد با انتقال اطلاعات، گسترش یافته است و اغلب به منظور دستیابی به نوعی رضایت دوجانبه صورت می‌پذیرد. وقتی عامل به روشی علامت می‌دهد، انتقال اطلاعات صورت می‌گیرد و در اغلب موارد موجب کاهش عدم تقارن اطلاعات می‌شود و زمینه ارزیابی اطلاعات را نیز فراهم می‌کند.

مکانیسم مهمی که از طریق آن فروشندگان و خریداران با مساله اطلاعات نامتقارن برخورد می‌نمایند، علامت دادن بازار است. مفهوم علامت دادن بازار اولین بار توسط «مایکل اسپنس» مطرح گردید و نشان داد که در بعضی از بازارها، فروشندگان به خریداران علائمی نشان می‌دهند که حاوی اطلاعاتی درباره کیفیت کالا است. ... به عنوان نمونه چه مشخصاتی را بنگاه می‌تواند در مورد متقاضیان کار بررسی نماید تا از بهره‌وری آن‌ها قبل از استخدام مطلع شود؟ زیرا در مصاحبه استخدامی متقاضیان بی تجربه و کم صلاحیت نیز ممکن است با ظاهری آراسته خود را مانند افراد ماهر و پرکار جلوه دهند. یک مشخصه مناسب و قوی، مشخصه‌ای است که ارائه آن از طرف

متقاضیان پرکار آسانتر است تا از طرف متقاضیان کم کار، به طوری که متقاضیان پرکار به احتمال بیشتری آن را ارائه می دهند و آن سنجش سطح تحصیلات فرد با معیارهایی مانند سنوات تحصیلی، رشته و مدرک تحصیلی، اعتبار دانشگاه، معدل و سوابق پژوهشی حین تحصیل و ... می تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم اطلاعات بنگاه را در خصوص توانایی و مهارت فرد بهبود بخشد (پندیک، ۱۳۸۲، ص ۹۴۶).

۱-۶. غربال کردن^{۱۶} اطلاعات

راه دیگر برای جبران عدم تقارن اطلاعات، «پالایش و ارزیابی»^{۱۷} اطلاعات نام دارد که به «غربال کردن اطلاعات» مربوط می شود، یعنی جدا کردن اطلاعات نامرتب از اطلاعات مرتبط. استیگلیتز در تحقیقات خود که موفق به دریافت جایزه نوبل ۲۰۰۱ شد، نشان داد که گاه یک کارگزار نامطلع با بهره مندی از روش غربال کردن اطلاعات، بهتر از یک کارگزار مطلع، می تواند کسب اطلاع کند (Stiglitz, 2001, pp.397-400). امروزه ما در عصر انفجار اطلاعاتی به سر می بریم. اطلاعات مانند طوفان با سرعت سرسام آوری در همه جا گسترده شده است و بی شک بدون غربال این حجم عظیم اطلاعاتی، امکان استفاده و اعتماد به اطلاعات وجود ندارد.

این کار به ویژه در محاکم قضایی و رسیدن قاضی به علم کافی و صدور رأی صائب و نافذ بسیار اهمیت دارد. مثال معروف غربال کردن اطلاعات، قضاوت منقول از حضرت علی (ع) در مورد دو زن است که هر دو ادعای فرزند واحدی داشتند. در این مورد به وضوح، عدم تقارن اطلاعات وجود دارد. زن می داند که بچه متعلق به کیست، اما حضرت علی (ع) ظاهراً نمی داند. ایشان در نظر دارند برای قضاوت بهتر، اطلاعاتی داشته باشند که آن زن در اختیار دارد. مادر واقعی علاقه به انتقال اطلاعات دارد؛ اما به دلیل اقدامات زن دیگر مدعی بچه، به آسانی قادر به این کار نیست. حضرت علی (ع) به آن دو زن پیشنهاد دو نیم کردن بچه را می دهد. این کار سبب می شود که آن دو زن اطلاعاتشان را برای ایشان آشکار کنند. این همان روش غربال کردن برای مقابله با عدم تقارن اطلاعات است (شوشتری، ۱۳۷۹، ص ۱۸).

۷-۱. ضمانت نامه و مقابله با عدم تقارن اطلاعات

در برخی از معاملات، کسب اطلاعات کامل در هنگام انعقاد عقد معامله ممکن نیست و این امر نیازمند گذشت زمانی است که خریدار از صحت و سقم کالای مورد معامله، اطمینان لازم را کسب نماید. به همین دلیل در برخی از کالاهای بادوام، فرصتی را به عنوان ضمانت تعیین می‌کنند تا در صورت بروز عیب و نقص احتمالی، خریدار اختیار فسخ معامله یا تعویض کالا را داشته باشد. به عنوان مثال برای خریداران احشام اطلاعات مربوط به سلامت حیوانات بسیار مهم است. افزایش وزن احشام ناسالم به مراتب کندتر از احشام سالم است و احتمال زاد و ولد آن‌ها کمتر است. به دلیل وجود اطلاعات نامتقارن در بازار احشام که (فروشنندگان بهتر از خریداران از سلامت احشام مطلع هستند)، در برخی از کشورها احشام به همراه تعهدنامه‌ای معامله می‌شود. طبق این قوانین، فروشنندگان تعهد می‌دهند که احشامشان عاری از انواع امراض پنهان است و در صورت بیمار بودن حیوان و افزایش هزینه‌ها، مسئولیت به عهده فروشنده است (پندیک، ۱۳۸۲، ص ۹۷۷).

این همان بحثی است که قرن‌ها پیش از این در اسلام تحت عنوان «خیار حیوان» مطرح بوده است. بر این اساس ضرر احتمالی ناشی از عدم تقارن اطلاعات به جهت احتمال وجود بیماری حیوان که در هنگام معامله قابل مشاهده و درک نباشد، اختیار فسخ معامله را در ظرف زمانی سه روز بعد از معامله برای خریدار وضع کرده است، تا اطلاعات نامتقارن کارآیی بازار را با شکست روبرو نسازد. شبیه این ضمانت نامه‌ها در فروش برخی از کالاهای بادوام نیز ارائه می‌شود. اکنون بعد از نکاتی که از نظریه قرارداد عنوان شد، به بررسی این موضوع می‌پردازیم که چگونه نامشخص بودن عنصر زمان در قرارداد، موجب عدم تقارن اطلاعات و شکست بازار می‌شود.

۲. ضرورت وجود مجموعه اطلاعات در عقود معاملات

از آنجا که عقود معاملات الزامات مختلف حقوقی و مالی خاصی را به همراه دارد، لذا شریعت اسلام با دقت و ظرافت تمام، شرایطی را برای عقود معاملات بطور عام و ضوابطی را برای هر یک از عقود به شکل خاص، در نظر گرفته است تا طرفین معامله

از رضایت قلبی و احساس مطلوبیت مورد نظر برخوردار گردند. شرایط مربوط به هر یک از عقود معاملات در تشابه با اقتصاد متعارف را می‌توان به مجموعه اطلاعاتی تعبیر کرد که هر یک از طرفین عقد به تناسب موقعیت خود به تمام یا بخشی از آن دسترسی دارند. بدیهی است چنانچه در هر یک از ارکان عقد بیع کوچک‌ترین جهالتی محرز شود، صحت بیع نقض می‌شود تا احادی متضرر نگردد. لذا از دیدگاه فقهی، وجود علم و آگاهی نسبت به جوانب مختلف معامله و تقارن اطلاعات، شرط اصلی صحت بیع بوده و در صورت بروز چنین جهالتی با قاطعیت تمام حکم به غرری بودن بیع و بطلان عقد داده شده است. این قاطعیت در بطلان عقد در حالت کلی بیع، به موارد خاصی از عقود معاملات که عنصر زمان یکی از اجزا و ارکان عقد به حساب می‌آید نیز جاری و ساری است که در زیر به چند مورد اساسی اشاره می‌شود. در این موارد چگونگی برخورد اسلام با معین نبودن عنصر زمان در هر یک از عقود، بیانگر پویایی و حفظ کارایی بازار مسلمین است. بر اساس احکام معاملات، معین نبودن زمان در بیع نسبی، در بیع سلم، در عقد اجاره، در خیار شرط و ... موجب بطلان عقد می‌شود که در بخش بعد به صورت تفصیلی به چند مورد اشاره خواهد شد.

شایان ذکر است که در مباحث اقتصاد اسلامی به طور مستقل عنصر زمان کمتر مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است و این یکی از نوآوری‌های این مقاله است. در حالی که در رشته فلسفه بحث زمان به عنوان یک بحث اساسی و ریشه‌ای دامنه گسترده‌ای از مطالب را به خود اختصاص داده است. لذا جا دارد تا به جهت ارتباط مستقیم بسیاری از معاملات و فعالیت‌های پولی و مالی اسلامی با عنصر زمان، چنین بستری فراهم شود.

۲-۱. لزوم تعیین زمان در مجموعه اطلاعات

در برخی از عقود معاملات، زمان به عنوان یکی از عناصر مجموعه اطلاعات محسوب می‌شود و ضروری است عنصر زمان در هنگام انعقاد عقد دقیقاً معین گردد. این موارد عبارتند از بیع سلم، بیع نسبی، اجاره زمین، اجاره ملک، اجاره گیاهان، اجاره حیوانات، اجاره اسباب و وسایل، اجاره مرکب (مگر آنکه آن را برای پیمودن مسافت مشخصی یا

انجام کار معینی اجاره کرده باشند که در این صورت نیازی به ذکر مدت زمان نیست)، کفالت، ضمان، مزارعه، مساقات، عقد موقت (که اگر مدت را ذکر نکرده و بطور اطلاق صیغه را جاری کنند، عقد دائم خواهد بود)، عقد جزیه و عقد امان. در زیر به چند مورد از این عقود که نامشخص بودن زمان موجب بطلان عقد خواهد شد، اشاره می‌گردد:

۲-۲. زمان در بیع سلف

از جمله معاملاتی که در چارچوب مشخصی از سوی شارع مقدس مورد تایید واقع شده است «بیع سلف» یا همان پیش فروش و پیش خرید است. از جمله شروط صحت این بیع آن است که زمان تحویل جنس مورد معامله، بطور صریح و آشکار در عقد بیع قید شود، تا جایی که حتی احتمال هیچگونه زیادی یا نقصانی در زمان تحویل کالا متصور نباشد. مثلاً فروشنده نمی‌تواند بگوید که سر خرمن این کالا را به تو تحویل می‌دهم. چرا که این زمان، زمان مشخص و مضبوطی نیست: «در بیع سلف شرط است که باید مدتی را برای تحویل مبیع تعیین کنند که از تفاوت زمانی مصون باشد، به گو نه‌ای که احتمال زیادی و کم شدن را نداشته باشد» (الجبعی العاملی، ۱۴۰۳ق.، ج ۳، ص ۴۱۲).

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: «من أسلف فلیسلف فی کیل معلوم، أو وزن معلوم، أو أجل معلوم» (بخاری، ۱۴۰۱ق.، ج ۳، ص ۱۰۶)؛ یعنی: کسی که بیع سلف انجام می‌دهد، باید کالایی که وعده تحویل آن را می‌دهد، اگر پیمان‌های فروخته می‌شود، مقدار و تعداد پیمان‌ها و اگر وزنی است، میزان وزن کالای مورد معامله و همچنین زمان تحویل کالا در آینده را به طور کامل معلوم و مشخص نماید.

۲-۳. زمان در بیع نسبه

مرحوم شیخ انصاری (ره) در باب معاملات نقد و نسبه در مکاسب می‌فرماید: «جایز است مدت‌دار ساختن ثمن به مدت معینی که مفهوماً و مصداقاً احتمال زیاده و نقصان غیر قابل تسامحی نداشته باشد، پس اگر تعیین مدت در ثمن به این نحو نباشد، علی

الظاهر اختلافی در بطلان بیع نخواهد بود، زیرا موجب غرر می‌شود» (انصاری، ۱۴۱۵ق.، ج ۶، ص ۲۰۰).

در بیع نسیه شرط است که مدت زمان پرداخت ثمن را به طور دقیق تعیین کنند. بنابراین نباید بیع معلق به چیزی شود که احتمال زیادی و کمی در آن می‌رود، به اندازه‌ای که غیر قابل تسامح و چشم پوشی باشد که در این صورت عقد نسیه به واسطه معین نبودن زمان پرداخت ثمن، باطل است. همچنین در کتاب مکاسب آمده است: «یکی از شروط صحت شرط ضمن عقد آن است که شرط ضمنی (چیزی که در ضمن عقد شرط می‌شود) مجهول نباشد به جهالتی که موجب غرر در اصل معامله شود و گرنه باطل و فاسد خواهد بود. به عنوان مثال متاعی را به صورت نسیه یا سلم بفروشد، ولی أجل مجهول باشد. بر فرض که جهل و غرر به شرط، موجب سرایت به اصل بیع نباشد ولی بیع را غرری می‌کند، یعنی اگر مقدار ثمن و مثن هم مشخص باشند، باز هم معامله اشکال دارد و جهل به خود شرط که در این جا جهل به عنصر زمان است، کافی است که مبطل اصل عقد باشد» (انصاری، ۱۴۱۵ق.، ج ۶، ص ۲۰۰). بنابراین مشخص نبودن زمان در بیع نسیه موجب عدم تقارن اطلاعات از بُعد زمانی شده و بطلان عقد را سبب می‌شود.

۲-۴. زمان در عقد اجاره

قرارداد اجاره بر حسب عین مستأجره به دو نوع تقسیم می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق.، ج ۶، ص ۲۷۲): الف- اجاره اموال که به آن اجاره اعیان نیز گفته می‌شود، عبارت است از اجاره‌ای که در آن عین مستأجره، اشیائی مثل خانه، زمین، درخت، مرکب و سایر کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی بادوام است، که هدف از اجاره این‌ها بهره‌مندی از منافع آن‌ها در قبال عوض مشخصی است. ب- اجاره اشخاص که به آن اجاره اعمال نیز گفته می‌شود، عبارت است از اجاره‌ای که در آن عین مستأجره، نیروی کار (اجیر) می‌باشد و منفعت نیروی کار به مستأجر (کارفرما) تملیک می‌شود.

عقد اجاره با معلوم بودن مدت زمان اجاره و مال الاجاره منعقد می‌شود. پس اگر یکی از این دو شرط، یعنی مدت زمان اجاره یا مال مورد اجاره در صیغه عقد مشخص

نشود، عقد اجاره منعقد نخواهد شد. ولی با مشخص شدن این دو شرط، اجاره صحیح بوده و لازم است تا مالک مال را برای مدت مورد توافق به مستاجر تحویل دهد. در عقد اجاره لازم است تا منفعت به یکی از راه‌های زیر معلوم باشد: الف- به وسیله زمان، در مواردی که تعیین آن جز به وسیله زمان ممکن نمی‌باشد مانند سکونت در منزل. ب- به وسیله زمان یا مسافت، در منفعتی که تعیین آن هم با زمان ممکن است و هم با مسافت، مانند سواری حیوان، زیرا سواری را هم می‌توان به وسیله زمان تعیین کرد، مثل سوار شدن بر مرکب به مدت یک ماه و هم به وسیله مسافت: مانند سوار شدن تا رسیدن به شهری معین. ج- به وسیله زمان یا عمل، مانند اجیرکردن شخصی برای خیاطی، زیرا خیاطی را هم می‌توان با زمان تعیین کرد، مانند خیاطی کردن در طول یک ماه، و هم می‌توان با عمل تعیین کرد مانند دوختن این لباس خاص.

پس عنصر زمان در عقد اجاره نقش بسیار ویژه‌ای دارد که در زندگی روزمره افراد قابل مشاهده است. ضمن آنکه اگر در اجاره اجیر برای انجام کاری، به زمان انجام آن کار اشاره‌ای نشده باشد، اجیر باید به محض قبول عقد، نسبت به انجام آن کار اقدام نماید، یعنی اطلاق در زمان عقد اجاره، دلالت بر ظرف زمانی حال و فوریت انجام کار دارد.

۲-۵. زمان در خیار شرط

خیار در عقود به معنی، اختیار فسخ عقد یا معامله است و چنانچه این اختیار ناشی از توافق قبلی دو طرف معامله برای یک طرف یا طرفین عقد یا فرد ثالثی باشد، به آن «خیار شرط» گویند. خیار شرط به زمان خاصی محدود نیست و بستگی به شرطی دارد که طرفین بر آن توافق می‌کنند، ولی مدتی را که توافق می‌کنند باید معین باشد.

شهید اول می‌فرماید: «در صورت شرط کردن مشورت با شخص ثالث، باید مدت مشورت را در ضمن عقد تعیین کنند، به گونه‌ای که آن مدت مضبوط و معین باشد تا از جهالت منجر به غرر جلوگیری شود» (انصاری، ۱۴۱۵ق.، ج ۶، ص ۳۴۱).

در اینجا نیز زمان مشورت یکی از عناصر مجموعه اطلاعات طرفین عقد است و ضروری است که در زمان عقد تعیین شود. پس اگر مدت زمانی که یکی از طرفین عقد

برای انجام مشورت با وکیل یا مشاور خود لازم دارد، مشخص نشود، قطعا طرف دیگر معامله از اطلاعات مقارنی برخوردار نبوده و در چنین حالتی امکان دارد که مغرور واقع شود. زیرا این احتمال وجود دارد، آن طرفی که قصد مشورت دارد، مدت زمان طولانی را به بهانه مشاوره تلف کرده و وقت سوزی کند تا طرف مقابل مجبور شود معامله را در شرایط ضعیف تری انجام دهد و یا اصلا طرف اول بعد از مشورت از انجام معامله منصرف شود و در این مدت، هزینه فرصتی متوجه طرف مقابل شده و مشتریانی را از دست داده باشد. پس زمان باید مشخص گردد و گرنه بیع غرری شده و باطل می‌شود.

۶-۲. زمان صحت ضمانت

ضمانت از جمله عقود جایزی است که موجب کسب اطمینان خاطر در روابط مالی بین مردم می‌شود. اما سوال این است که این ضمانت از چه زمانی محقق می‌شود؟ زمان ضامن شدن یکی از موارد مهم صحت ضمانت است، به گونه‌ای که ضروری است تا بین بدهکار شدن مدیون و قبول ضمانت مدیون توسط ضامن، تقدم و تاخر زمانی لحاظ گردد. به عبارت دیگر لازم است تا آغاز پذیرش ضمانت بدهکار توسط ضامن، بعد از زمانی باشد که مضمون له واقعا بدهکار شده و بدهکاری او تحقق یافته است. بنابر این اگر قبل از اینکه شخص قرضی بگیرد، یا پیش از آن که دینی بر ذمه بدهکار آمده باشد، ضامن اعلام کند که من ضمانت او را بر عهده گرفته‌ام، بنابر نظر برخی از فقها این ضمانت محقق نشده و باطل است و در ادبیات فقهی از آن به «ضمان ما لم یجب» نام برده می‌شود. پس اول باید اصل دین بر ذمه مدیون محقق شود و پس از آن ضامن بدهی او را ضمانت کند.

۷-۲. زمان در مزارعه

مزارعه قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین عقد، زمینی را برای مدت معینی به طرف دیگر واگذار می‌کند تا در آن زراعت کرده و محصول را به نسبتی که عرفا توافق کرده‌اند، بین خود تقسیم کنند. طرف اول یا صاحب زمین را مزارع و طرف دوم

را عامل گویند. یکی از شروط صحت عقد مزارعه عبارت است از مدتی که بر اساس آن زمین در اختیار زارع قرار می‌گیرد، یعنی این مدت باید به قدری باشد که امکان زرع در زمین و برداشت محصول در آن مدت وجود داشته باشد. پس تعیین ظرف زمانی از دو جهت حایز اهمیت است: یکی اصل زمان مزارعه که حتما مضبوط باشد، مثلا یک سال زراعی یا بیشتر و دیگری طول مدت زمانی که برای به ثمر رسیدن محصول زراعی مورد نیاز است.

۳. تنظیم قرارداد در ضوء تعالیم قرآنی

طولانی ترین آیه قرآن کریم یک آیه حقوقی - اقتصادی است که در آن دستورات بسیار دقیقی برای تنظیم قراردادها و شرایط حقوقی مربوط ارائه شده است تا از هرگونه عدم تقارن اطلاعاتی که موجب غبن یا غرر احتمالی می‌شود، جلوگیری گردد.

نکته اصلی که در آغاز این آیه به آن تاکید شده است، توجه به دیون مدت‌داری است که در اثر قرض یا دیگر معاملات مدت‌دار به وجود می‌آید و عنصر زمان به عنوان یکی از ارکان این معاملات محسوب می‌شود و این خود نشان از اهمیت تقارن اطلاعات در معاملات مدت‌دار است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ» (بقره: ۲۸۲)؛ یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که بدهی مدت‌داری (بر اثر وام یا معامله) به یکدیگر پیدا می‌کنید، آن را بنویسید.

در واقع این آیه اصول کاملی از شیوه و شرایط تنظیم قراردادهای مالی را برای مومنین مشخص کرده است که در این بین از معاملات مدت‌دار با اهمیت بیشتری یاد می‌کند، زیرا مولفه‌های چنین قراردادهایی به جهت عدم تقارن اطلاعات، با خطر بیشتری روبرو است. به عنوان مثال بدهکار از توانایی یا عدم توانایی پرداخت بدهی خود در مهلت مقرر اطلاعات بیشتری نسبت به طلبکار دارد. بدیهی است تدوین کتبی قراردادها و تایید آن توسط دو شاهد، احتمال ضرر طلبکار را کاهش داده و زمینه پیگیری حقوقی را به عنوان یک پشتوانه قابل اعتماد در جبران عدم تقارن اطلاعات برای وی فراهم می‌نماید تا بازار مسلمین کمتر دچار خدشه و شکست گردد.

این آیه تنها گوشه‌ای از نکات جامع و مانعی است که در قرآن کریم به عنوان الگوی کاملی از رفتار اقتصادی صحیح به ویژه در تدوین قراردادهای مدت دار آمده است که در نظریه‌های قرارداد و منابع حقوقی که زاینده فکر بشری است، این ظرافت‌ها مشاهده نمی‌شود.

۴. ارائه یک قاعده کلی

۴-۱. تعمیم قاعده

گرچه در مباحث فوق تنها به چند مورد از عقود معاملات و احکام مربوط به نقش عنصر زمان در آن‌ها اشاره شد و گستره آن در عقود معاملات بسیار فراتر از این مقدار است که در این مختصر نمی‌گنجد، ولی با تنقیح مناط می‌توان گفت که مباحث فوق منحصر به این تعداد از عقود نیست و برای هر معامله یا عقد جدیدی که در مجموعه عقود مصطلح کتب فقهی وجود ندارد، ولی با چارچوب کلی عقود و معاملات اسلامی سازگاری داشته باشد، قابل تعمیم بوده و از کلیه شرایط و لوازم عقود اسلامی برخوردار است و مشمول آیه شریفه: «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱) یا قاعده «المسلمون عند شروطهم الا کل شرط خالف کتاب الله عزوجل، فلا یجوز» (الجبعی العاملی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱۲، ص ۳۵۳) می‌گردد. یا همانطور که ذکر شد بیان قرآن در معاملات مدت‌دار، بیانی عمومی است و منحصر در معامله خاصی نیست (بقره: ۲۸۲).

بر این اساس برای هر عقد جدیدی که به نوعی با عنصر زمان مرتبط باشد و عنصر زمان به عنوان یکی از ارکان مجموعه اطلاعات آن عقد به حساب آید، ضروری است که در هنگام انعقاد عقد عنصر زمان بطور کاملاً شفاف مشخص و معین گردد تا هیچ عدم تقارن اطلاعاتی به وجود نیاید که به واسطه عدم تعیین عنصر زمان در قرارداد، موجب بروز غرر و بطلان عقد شود. به عنوان مثال در عقود جدیدی مانند بیمه^{۱۸}، آتی‌ها^{۱۹}، معاملات لیزینگ^{۲۰}، مالکیت زمانی املاک^{۲۱} و ... لازم است که عنصر زمان به دقت مشخص گردد.

۴-۲. کارآیی در سایه رضایت واقعی

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که مفهوم کارآیی در بازار مسلمین به نوعی با مفهوم رضایت دو جانبه‌ای گره خورده است که موجب استحکام قراردادها می‌شود. اصولاً احکام اسلامی، بخشی از یک سلسله معارف جامع الهی است که به صورت یک کل دیده شده است. یکی از آن معارف این است که قرآن کریم هدف خلقت را «عبودیت انسان» بیان می‌کند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) و افتخار پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز این است که عبودیت وی مقدم بر مقام رسالت آن حضرت بیان شده است و هر مسلمانی موظف است در شبانه روز نه بار بر این عبودیت شهادت دهد: «أشهد أن محمداً عبده ورسوله» تا این هدف برای همگان ملکه شود. از سوی دیگر وظیفه هر عبدی، اطاعت امر مولی و کسب رضایت وی در اجرای اوامر و نواهی صادره از جانب اوست که این رضایت در اعمال مختلف به اشکال متفاوتی تبلور می‌یابد، به عنوان مثال در عقد ازدواج رضایت پسر و دختر (همراه با رضایت پدر دختر) شرط لازم صحت عقد است و شرط کافی آن اطاعت امر الهی است که با خواندن خطبه عقد تحقق می‌یابد. یا در واجبات عبادی، «صحت انجام اعمال» به عنوان شرط لازم و همراه بودن «نیت قرب الهی» به عنوان شرط کافی عبادت، قرار داده شده است. همچنین در واجبات مالی نیز مانند خمس و زکات، دادن اصل خمس و زکات، به عنوان شرط لازم و داشتن «نیت قرب الهی» به عنوان شرط کافی است تا جایی که اگر فردی چند برابر بیشتر از میزان خمس و زکات خود را نیز بپردازد، لکن «نیت قرب الهی» نداشته باشد، رضایت مولی را کسب نکرده و همچنان تکلیف بر ذمه وی باقی است.

به طور مشابه در عقود معاملات نیز رضایت طرفین عقد بر انجام معامله، شرط لازم صحت عقد است تا هیچ معامله‌ای از روی اجبار یا اکراه صورت نگیرد، لکن حتی با وجود رضایت طرفین، هنوز معامله تمام نیست، بلکه نیازمند یک شرط کافی است تا معامله کامل گردد و آن کسب رضایت الهی است که در رعایت احکام اثباتی و سلبی مذکور برای هر عقدی قرار داده شده است. لذا این بخش از آیه شریفه که می‌فرماید: «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء: ۲۹) ناظر به رضایت طرفین عقد است، اما

در چارچوب حدود و ثغوری که اسلام معین نموده است و مطلق رضایت طرفین عقد کفایت نمی‌کند. از دیدگاه فقه اسلامی رضایت طرفین معامله در طول رضایت خداوند قرار دارد نه در عرض آن. به عبارت دیگر رضایت افراد شرط لازم صحت هر عقدی بوده و رعایت احکام معاملات (نبودن شرایط ربوی، غرری و اکل مال به باطل و ...) در حکم رضایت الهی به عنوان شرط کافی صحت معامله است. پس کارایی بازار مسلمین در گرو هر دو رضایت است و این اعتقاد به عنوان یک ضمانت درونی در پرهیز از مواردی که در عقود نهی شده است، بسیار موثر خواهد بود و گرنه در قرض ربوی نیز چه بسا قرض گیرنده با رضایت کامل، مال یا مبلغ اضافی را می‌پردازد، ولی این رضایت حجتی بر صحت این عمل و جبرانی بر حرمت آن نیست. یا در بیع غرری که یک یا طرفین معامله از ثمن یا مثنی بی خبر باشند، حتی با رضایت کامل به انجام معامله، چون فاقد اطلاعات لازم در حین عقد هستند، به سبب جهالت منجر به خطر و غرر، معامله باطل است و این از ویژگی‌های خاص معاملات اسلامی است که قاطعانه با عدم تقارن اطلاعات برخورد می‌شود.

۴-۳. حق و حکم

اصولا در فقه اسلامی یک «حکم» داریم و یک «حق». حکم یا احکام الهی از آن خداست و هیچ فردی نمی‌تواند آن را کم یا زیاد کند. مثل تعداد رکعات نمازهای یومیه. درست است که نماز از جایگاه رفیعی در اسلام برخوردار است، ولی کسی نمی‌تواند بگوید من نماز صبح را چهار رکعت می‌خوانم، چیزی که کسر نکردم، تازه زیادتر هم خوانده‌ام! هرگز چنین چیزی پذیرفته نیست و حق دخالت در احکام را ندارد. در معاملات نیز احکامی از سوی شارع مقدس ابلاغ شده است که رعایت آن‌ها الزامی است و کسی نمی‌تواند آن را کم یا زیاد نماید. اما «حق» چیزی است که خداوند با شریطی اختیار آن را به ذی حق واگذار کرده است. مثلا درآمد حلالی که انسان کسب می‌کند، حق و مال اوست که می‌تواند خودش مصرف کند، به کسی هدیه دهد، یا وقف کند و یا به هر مصرف صحیح دیگری برساند. پس «تِجَارَةٌ عَنِ تَرَاضٍ» (نساء: ۲۹) حق فردی مشروطی است که در چارچوب حکم الهی قابل اعمال است و هرگونه رضایت

ظاهری را شامل نمی‌شود، وگرنه خیلی از تخلفات هم ممکن است با رضایت طرفین صورت پذیرد.

۴-۴. تقارن اطلاعات و کارآیی در بازار مسلمین

آنچه در مطالب فوق به عنوان کارآیی در بازار مسلمین از آن نام برده شد، زمانی محقق می‌شود که عوامل بازار از اطلاعات متقارنی در همه جوانب معاملات برخوردار باشند. فرق تقارن اطلاعات در بازار مسلمین با بازارهای متعارف در اقتصاد این است که در بازار مسلمین معامله کنندگان علاوه بر لزوم آگاهی از شرایط عرضه و تقاضای بازار که در عرف اقتصادی مطرح می‌شود، لازم است تا از احکام مربوط به معاملات در حالت کلی و عقد معامله مورد نظر به صورت خاص نیز آگاهی کافی داشته باشند، که در کتب فقهی به تفصیل به آن پرداخته شده است و توضیح آن در این مختصر نمی‌گنجد. فقط به این حدیث شریف اشاره می‌شود که حضرت علی علیه السلام فرمود: «الفقه ثم المتجر» (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۱۵۰)، یعنی فروشنده ابتدا باید نسبت به احکام فقهی معاملات آگاهی لازم را کسب کند، سپس به محل کسب خود برود. پس کارآیی در بازار مسلمین به معنی کسب درآمد و سود عادلانه از طریق حلال و رعایت موازین اخلاق اسلامی است که در آن از ربا، احتکار، غش، غرر، تدلیس، کم فروشی، گرانفروشی، اجحاف و ... خبری نیست. البته نه به این معنی که این تخلفات در بازار مسلمین رخ نخواهد داد، بلکه منظور آن است که اسلام در ابتدا سعی کرده است تا با بهره‌گیری از فطرت پاک انسانی از بروز این تخلفات پیش‌گیری نماید و در مرحله بعد و مشاهده چنین تخلفاتی با آن برخورد خواهد کرد، به طوری که در مواردی حکم به بطلان عقد داده و از ریشه با وقوع چنین معاملاتی مبارزه می‌کند و در مواردی حق خیار فسخ برای طرف متضرر قائل است و این همه در چارچوب تعالیم اسلامی قابل تحقق است. لذا چنین بازاری کمتر دچار شکست می‌شود، مگر آنکه افراد سودجویی قصد زیر پا گذاشتن این مقررات را داشته باشند که در آن صورت، حاکم اسلامی موظف به نظارت بر جریان عمومی بازار بوده و در صورت لزوم با متخلفان برخورد قضایی خواهد شد.

جمع بندی

تجربه عملی بازارها نشان داده است که فروض رقابت کامل به طور جامع محقق نمی‌شود و بیشتر حالت نظری دارد تا کاربرد عملی و بیشتر بازارها در عمل به شرایط رقابت ناقص نزدیک ترند. به عنوان مثال فقدان اطلاعات متقارن یکی از موارد عمده‌ای است که موجب عدم کارایی و شکست بازار می‌شود. در همین راستا در بازار مسلمین نیز تدابیری اندیشیده شده است تا حتی الامکان معاملات در شرایط تقارن اطلاعاتی صورت پذیرد و از تضییع حقوق دیگران پیش‌گیری شود.

از سوی دیگر در برخی از عقود اسلامی یا معاملات مدت‌دار، عنصر زمان به عنوان یکی از عناصر «مجموعه اطلاعات» و جزئی از ارکان عقد به حساب می‌آید، به طوری که بر طرفین عقد واجب است که قبل از معامله، از کم و کیف آن آگاهی کامل داشته و با علم به چگونگی نقش عنصر زمان در آن معاملات نسبت به انعقاد چنین عقودی اقدام کنند.

با بررسی احکام مربوط به معاملات مدت‌داری که در منابع فقهی آمده است، این نتیجه عمومی و مشترک بین آن‌ها حاصل می‌شود که در تمامی مواردی که عنصر زمان در این عقود معین نشده و یا از شفافیت لازم برخوردار نباشد، فساد و بطلان عقد حتمی است تا از هرگونه غرری جلوگیری شود. این قاطعیت در برخورد با عدم تقارن اطلاعات، از جمله مواردی است که موجب کارایی بازار مسلمین شده و از شکست آن جلوگیری می‌کند درحالی که چنین شرایطی در مختصات بازار رقابتی مشاهده نمی‌شود که با یک پشتوانه دینی و اعتقادی از منافع مادی و معنوی افراد حمایت شود و این از ویژگی‌های خاص مکتب اقتصادی اسلام است.

نکته دیگر این که موضوع «نظریه قرارداد» و «اقتصاد اطلاعات» در مقابله با شرایط عدم تقارن اطلاعات و شکست بازار سابقه چندانی در اقتصاد متعارف ندارد و حال آنکه دین مبین اسلام یکی از کارآمدترین برنامه‌های حقوقی و اقتصادی خود را در قالب عقود معاملات و سایر عقود و قراردادهای اسلامی ارائه کرده است که در آن علم و آگاهی در تمامی کارها و برنامه‌های اقتصادی و غیر اقتصادی مورد تاکید واقع شده

است. لذا قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء: ۳۶)؛ و چیزی را که بدان علم نداری پیروی نکن.

در همین راستا قوانین الهی نیز مبتنی بر علم و آگاهی مکلفین تأسیس شده است، به طوری که این قواعد از ایتقان و استحکام حقوقی کاملی جهت رفع نیازهای جاری و آتی بازار مسلمین برخوردار بوده و خواهد بود. زیرا اسلام به عنوان آخرین دین الهی، کامل‌ترین برنامه سعادت دنیوی و اخروی را برای پیروان خود تا روز قیامت به ارمغان آورده است و این تفاوت قوانین الهی و بشری است.

همچنین در راستای حسن اجرای عقود معاملات نیز دو ضمانت اجرایی لحاظ شده است:

الف- ضمانت درونی، اسلام در تمام برنامه‌های خود رشد و تعالی انسان را به عنوان یک اصل و مبنا قرار داده است، لذا در اجرای احکام و مقررات نیز در مرحله اول سعی می‌کند تا فطرت پاک انسان و عقل خدادادی وی را به عنوان ناظر درونی و دائمی به کار گیرد، زیرا هرگاه یک مسلمان واقعی، خداوند متعال را ناظر بر اعمال و رفتار خویش بداند، از ارتکاب به تخلفات پرهیز می‌کند، حتی اگر نظارت ظاهری از سوی دیگران بر وی اعمال نگردد.

ارائه اطلاعات متقارن به طرف معامله از جمله اموری است که در درجه اول به خود افراد واگذار شده است و در نظام تربیتی اسلام به کسی که غش در معامله نماید و عیبی را پنهان کند، قبل از این که اخطار حکومتی داده شود، فطرت او را مورد خطاب قرار می‌دهد که: «من غشنا فلیس منا» (الجبعی العاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۲۴۱)؛ یعنی کسی که ما را فریب دهد از ما نیست. قبح این کار به حدی است که غش و فریب هر فردی در بازار مسلمین هم‌تراز فریب رسول خدا(ص) شمرده شده است و با این کار از جرگه مسلمین و پیروان پیامبر(ص) خارج می‌شود و این نشان از شأن و احترام به حقوق دیگران حتی افراد غیر مسلمان است.

ب- ضمانت بیرونی، اسلام صرفاً به بیان یک سری دستورات اخلاقی در خصوص اجتناب از کم‌فروشی، گرانفروشی، احتکار، غش در معامله، نهی از بیع غرری و ... بسنده نکرده است، بلکه علاوه بر آن از نظر حکومتی نیز نظارت لازم بر ساختار

بازار پیش‌بینی شده است تا قراردادهای رسمی بین مردم از پشتیبانی قضایی لازم و کافی برخوردار باشد؛ به گونه‌ای که همگان با اطمینان کافی وارد بازار مسلمین شوند و به معامله پردازند و از امنیت اقتصادی برخوردار باشند. بدیهی است چنانچه اطلاعات نامتقارنی موجب شکست یا کاهش کارایی بازار شود، به شدت با آن مقابله می‌شود. بنابراین لزوم شفافیت تمامی عناصری که به عنوان مجموعه اطلاعات طرفین عقد به حساب می‌آیند، از جمله معلوم بودن عنصر زمان، موجب پویایی عملکرد بازار مسلمین و کارآمدی عقود معاملات و قراردادهای بین مردم می‌شود. در چند مورد از عقود که اشاره گردید، نشان داده شد که اسلام برای عنصر زمان به عنوان یکی از ارکان این عقود اهمیت و احکام ویژه‌ای ترسیم نموده است تا موجب اتقان معاملات و بازار گردد. به عبارت دیگر می‌توان ادعا نمود نقشی که اسلام برای عنصر زمان در کارایی بازار مسلمین لحاظ نموده است، منحصر به فرد بوده و سابقه‌ای در دیگر مکاتب اقتصادی ندارد.

همچنین چارچوب و اصول کلی عقود معاملات به گونه‌ای است که نه تنها نیازهای جاری جامعه را برآورده می‌سازد، بلکه در خصوص مسائل مستحدثه‌ای که جامعه و بازار مسلمین ممکن است با آن مواجه شود، نیز راه‌گشا بوده و احکام آن توسط فقها، قابل استخراج است. این بدان معنی است که عقود معاملات توقیفی نبوده و محدود به عقودی که در صدر اسلام رایج و مطرح بوده، نمی‌باشد و ممکن است بر اساس نیازهای آتی و پیشرفت علوم و تحولات زندگی اجتماعی و روابط مالی بین مردم، عقود جدیدی مطرح شود که مرتبط با عنصر زمان بوده یا به تعبیری جزو معاملات مدت‌دار باشد. بدیهی است که فقه شیعه این وسعت نظر را دارد که در چارچوب اصول و قواعد کلی خود، صحت و سقم عقود جدید را بررسی و تعیین نماید تا همواره بازار مسلمین از پویایی و کارایی لازم برخوردار باشد.

یادداشت‌ها

1. opportunity cost
2. sunk costs

3. contract theory
4. economic information
5. Michael Spence
6. Gorge Akerlof
7. Joseph Stiglitz
8. information scene
9. information set
10. complete contract
11. hidden information
12. hidden action
13. adverse selection
14. moral hazard
15. market signaling
16. screening
17. filtration or evaluation
18. insurance
19. futures
20. leasing
21. time share

کتابنامه

قرآن کریم

- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق.)، کتاب المکاسب، قم: کنگره شیخ انصاری.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۴۰۱ق.)، صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر.
- پندیک، رابرت اس. و راینفیلد، دانیل ال (۱۳۸۲)، اقتصاد خرد، ترجمه علی ذیحجه زاده، تهران: انتشارات سمت.
- الجبعی العاملی، زین الدین (۴۰۳ق.)، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، قم: دارالهادی للمطبوعات.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن (۴۰۳ق.)، وسائل الشیعة، تهران: المكتبة الاسلامية.
- شوشتری، محمد تقی (۱۳۷۹)، قضاوت های امیرالمومنین (ع)، ترجمه محمد موسوی جزایری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، بی جا: بی نا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۴۰۷ق.)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نیکلسون، والتر (۱۳۸۷)، نظریه اقتصاد خرد، ترجمه محمد مهدی عسگری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.

Bolton & Dewatripont (2005), *Introduction to Contract Theory*, MIT Press: Cambridge and London.

Salanié, Bernard (1997), *The Economics of Contracts*, Cambridge University Press.
Stiglitz, J. E. (2001), "Credit Rationing in Markets with Imperfect Information",
American Economic Review, vol. 71, pp.393-410.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی